

# **The Effects of Applying the Piercing the Corporate Veil Doctrine on Parent Companies and Liable Directors in Iranian and American Law**

1. Fatemeh Yaghobi: PhD Student in Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran
2. Amir Khajehzadeh\*: Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: khajehzadeh.amir1399@gmail.com (Corresponding Author)
3. Mohammad Javad Baqizadeh: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

## **ABSTRACT**

The principle of relative independence and limited liability in commercial companies holds significant importance, ensuring the free and specialized operation of such entities. The application of these principles prevents personal profiteering and individual self-interest. However, in cases where shareholders, directors, or the parent company abuse this principle and hide behind the corporate veil for personal gain, invoking this principle is not only ineffective but also leads to corruption within commercial companies. In such instances, breaching this principle and holding shareholders, directors, or the parent company accountable becomes necessary. This study, conducted using a descriptive-analytical method, seeks to examine the effects of applying the piercing the corporate veil doctrine on parent companies and liable directors in Iranian and American law. The findings indicate that the U.S. legal system has been a pioneer in the application of the piercing the corporate veil doctrine, with its judicial practice having effectively utilized this doctrine. In contrast, under Iranian law, the application of the piercing the corporate veil doctrine is only possible through reference to general principles and common legal rules. The implementation of this doctrine ensures the continuation of the company's legal personality while holding the responsible party accountable for bankruptcy to settle creditors' debts. Thus, it serves as a preventive measure against corruption, profiteering, and the instrumental exploitation of commercial companies.

**Keywords:** *Piercing the corporate veil doctrine, United States and Iran, prohibition of abuse of rights, prohibition of fraud, judicial precedent, principle of limited liability*

How to cite: Yaghobi, F., Khajehzadeh, A., & Baqizadeh, M. J. (2024). The Effects of Applying the Piercing the Corporate Veil Doctrine on Parent Companies and Liable Directors in Iranian and American Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(5), 311-330.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 02 December 2024  
Revise Date: 19 December 2024  
Accept Date: 26 December 2024  
Publish Date: 31 December 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## آثار اعمال قاعده خرق حجاب بر شرکت مادر و مدیران مسئول در حقوق ایران و آمریکا

۱. فاطمه یعقوبی: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

۲. امیر خواجه زاده: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. پست الکترونیک: [khajehzadeh.amir1399@gmail.com](mailto:khajehzadeh.amir1399@gmail.com) (نویسنده مسئول)

۳. محمدجواد باقی زاده: استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

### چکیده

اصل استقلال نسبی و مسئولیت محدود در شرکت‌های تجاری کاربرد مهمی دارد، به نحوی که می‌تواند ضامن فعالیت آزاد و تخصصی شرکت‌های تجاری گردد. استفاده از این اصول، سودجویی‌های شخصی و منفعت‌طلبی‌های فردی را منع می‌نماید. لکن در مواردی که هر یک از سهام‌داران، مدیران یا شرکت مادر از این اصل سوءاستفاده کرده و در پشت حجاب شرکت پنهان می‌شوند و به سودجویی شخصی می‌پردازند، استناد به این اصل نه تنها مفید نبوده، بلکه موجب بروز فساد در شرکت‌های تجاری می‌گردد. در این صورت، نقض این اصل و مراجعه به هر یک از سهام‌داران، مدیران یا شرکت مادر امری ضروری است. پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، در پی شناخت آثار اعمال قاعده خرق حجاب بر شرکت مادر و مدیران مسئول در حقوق ایران و آمریکا می‌باشد. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که نظام حقوقی آمریکا در زمینه استعمال دکترین خرق حجاب پیشگام بوده و رویه قضائی در این کشور توانسته است که از این دکترین به نحو مطلوبی استفاده کند. لکن در حقوق ایران، دکترین خرق حجاب تنها با مراجعه به اصول کلی و قواعد عمومی امکان‌پذیر است. اعمال دکترین خرق حجاب موجب بقای شخصیت حقوقی شرکت و مراجعه به عامل ورشکستگی برای پرداخت دیون بستان‌کاران می‌گردد. از این رو، می‌تواند با فساد، سودجویی و استفاده‌های ابزاری از شرکت‌های تجاری جلوگیری نماید.

**واژگان کلیدی:** دکترین خرق حجاب، آمریکا و ایران، منع سوءاستفاده از حق، منع تقلب، رویه قضائی، اصل مسئولیت محدود

نحوه استناددهی: یعقوبی، فاطمه، خواجه زاده، امیر، و باقی زاده، محمدجواد. (۱۴۰۳). آثار اعمال قاعده خرق حجاب بر شرکت مادر و مدیران مسئول در حقوق ایران و آمریکا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۵)، ۳۳۰-۳۱۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۶ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



شرکت‌های تجاری دارای شخصیت‌های حقوق مستقل به خود هستند. این حق در کنار تمامی مزیت‌ها می‌تواند در مواقعی موجب سوءاستفاده شود. شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت تجاری این امکان را به مدیران و مسئولان شرکت تجاری می‌دهد تا در پناه آن اقدام به جمع‌آوری مال، اتخاذ شیوه‌های نادرست مدیریتی و ارتکاب جرائمی مانند کلاهبرداری، ورشکستگی به عمد و به تقصیر بنمایند. در مواردی که مدیران و مسئولان شرکت‌های تجاری به دنبال منفعت‌طلبی شخصی بوده و با جمع‌آوری مال و فرصت‌های مالی، شرکت را ورشکسته اعلام می‌کنند، در پناه شخصیت حقوقی از آورده‌های خود استفاده می‌نمایند، بدون اینکه ملزم به پاسخ‌گویی باشند. انحلال شرکت‌های تجاری در این شرایط موجب می‌شود که بسیاری از مشتریان و طرف‌های معامله شرکت بازرگانی زیان شدید دیده و نتوانند حقوق خود را استیفا نمایند. از سوی دیگر، انحلال شرکت‌های تجاری نوعی حربه برای کلاهبرداری‌های بیشتر است که موجب تضعیف نظام تجاری کشور می‌گردد. سرعت در دنیای تجارت موجب این نیاز برای شرکت‌ها با وجود ساختاری که دارند می‌شود که حقوق و دارایی شرکت از اموال و دارایی سهامداران منفک بوده که این مهم از آثار اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌هاست. چرا که در غیر این صورت، شرکت برای انجام هر اقدام خود به اقدام و جلب موافقت سهامدارانش نیاز دارد. یکی از راهکارهای پیش‌بینی شده در برخی نظام‌های حقوقی اعمال قاعده خرق حجاب است. از طریق اعمال این قاعده، طلبکاران شرکت‌های تجاری می‌توانند حق خود در خصوص خسارات مازاد وارد بر سرمایه را بدون آنکه مجبور به طرح درخواست ورشکستگی یا انحلال شرکت باشند از مدیران شرکت طلب کنند. چند شرط در خصوص اعمال این قاعده وجود داشته تا بدون رعایت اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت و مسئولیت حقوقی به مدیران و سهامداران مراجعه نمود. اول عدم کفایت سرمایه شرکت برای تأییه دیون آن، دوم احراز عدم تطابق ماهیت واقعی شرکت با ساختار قانونی یا هدف قانونگذار از تجویز تأسیس شرکت، سوم صدور حکم توسط محکمه صالح. در این حالت حکم دادگاه با نادیده گرفتن شخصیت حقوقی شرکت و مسئولیت محدود سهامداران، متضمن این امر است که جهت پرداخت دیون شرکت به شرکت مادر یا سهام‌داران اصلی رجوع شود. هدف از این قاعده، جلوگیری از سوءاستفاده از پوشش شرکت برای فرار از تعهدات و مسئولیت‌ها است.

در حقیقت ماهیت خرق حجاب در عالم حقوق یک وضعیت است که در این وضعیت با آنکه باید مسئولیت اصلی متوجه شرکت باشد، با احراز شرایطی، محکمه مسئولیت اعمال شرکت را نسبت به سهامداران می‌داند. به نظر می‌رسد که خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت می‌تواند مصداقی از قاعده منع سوءاستفاده از حق باشد. ابتدا باید شرکت منحل و تصفیه شود و احراز شود دارایی آن برای ادای دیون کافی نیست تا امکان رجوع به شرکا وجود داشته باشد. بنابراین نقش رویه قضایی در استناد به این قاعده در طول حیات شرکت‌های تجاری بسیار مهم است و رویه دادگاه‌ها در این راستا قرار گرفته که در اعمال شرکت‌های تجاری به قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت در نتیجه قاعده منع سوءاستفاده از حق توجهی به سزایی کنند. دکترین خرق حجاب را باید به عنوان یک استثنا مورد تعریف قرار داد. تمامی سیستم‌های حقوقی اتفاق نظر دارند که خرق حجاب شرکت، استثنایی بر قاعده مسئولیت محدود است. در واقع، باید بیان داشت که مسئولیت محدود مدیران و سهام‌داران یک اصل است که خرق حجاب به عنوان اصل محسوب می‌شود. پرسش اصلی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، آثار اعمال قاعده خرق حجاب بر شرکت مادر و مدیران مسئول در نظام حقوقی ایران و آمریکا چگونه است؟

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر مقاله رجبعلی دماوندی و همکاران تحت عنوان مفهوم و مبانی قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی و پیامدهای آن در حقوق انگلستان و ایران جالب توجه است. از نظر نویسندگان این مقاله، استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا و

سهامداران یکی از اصول بنیادین در اغلب کشورها می‌باشد. قاعده خرق حجاب شرکت‌ها یک ضمانت اجرای بر مبنای انصاف برای جلوگیری از سوءاستفاده از شخصیت شرکت می‌باشد. تمرکز مقاله مزبور بر دو متغیر یعنی حقوق داخلی انگلستان و ایران و همچنین شناخت قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی می‌باشد {Rajabali Damavandi, 2022 #121696; Rajabali Damavandi, 2022 #121697}. علاوه بر این، مقاله معماری و انصافی آذر تحت عنوان مطالعه تطبیقی مسئولیت مدیران مؤسسه غیرتجاری در پرتو قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی نیز جالب توجه می‌باشد. از نظر نویسندگان، سکوت قانون‌گذار و تأکید بر اصل استقلال شخصیت به منزله نفی مسئولیت مدیران مؤسسات غیرتجاری محسوب نمی‌گردد. در نتیجه با اعمال قاعده خرق حجاب، می‌توان برای مدیران مؤسسات غیرتجاری، فرض مسئولیت قائل شد {Ensfayazar, 2021 #121682}. تمرکز پژوهش مزبور نیز بر مؤسسات غیرتجاری و مسئولیت مدیران می‌باشد. اما نوآوری پژوهش حاضر در دو نکته مهم می‌باشد: اول تمرکز بر شرکت‌های تجاری و مسئولیت مدیران و نیز شرکت مادر، همچنین تمرکز بر نظام ایالات متحده آمریکا.

### مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای جهت نگارش مقاله استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاکی از این امر است که آثار اساسی اعمال دکترین خرق حجاب را می‌توان بقای شخصیت حقوقی شرکت تجاری، نقض موقت اصل مسئولیت محدود و جدایی کوتاه‌مدت اصل استقلال شخصیت مدیران، سهام‌داران و شرکت‌های تجاری از شرکت دانست. در این شرایط، عاملی که موجب وضعیت شرکت شده است باید در مقابل زبان‌ها و بدهی‌های شرکت تجاری پاسخ‌گو باشد. این امر می‌تواند انحلال شرکت را نادیده انگاشته و عامل اصلی ورشکستگی شرکت را به صورت انحصاری مسئول قلمداد کند.

### بحث

در این قسمت به تفکیک ابتدا تحمیل مسئولیت بر شرکت مادر و سپس مسئولیت مدیران در دکترین خرق حجاب را مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

#### ۱. تحمیل مسئولیت بر شرکت مادر

در بسیاری از موارد، سهام کنترل‌کننده شرکت‌های تجاری در اختیار یک یا چند شرکت دیگر قرار دارد که در ادبیات حقوق شرکت‌ها موسوم به شرکت مادر هستند. در این قسمت، اعمال قاعده خرق حجاب نسبت به شرکت مادر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱. عدم رعایت وظیفه مراقبت از سوی شرکت

شناسایی قاعده «خرق حجاب شرکت» در حقوق جارت بین‌الملل به عنوان استثنا بر اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت، در نتیجه نیاز تابعان حقوق در صحنه بین‌المللی و مطابق تحولات اقتصادی بود. بعضاً شرکت مادر برای دستیابی به مقاصد هم‌چون کسب سود نامشروع، از قالب مستقل شرکت تابعه خویش سوء استفاده می‌نمود. در این حالت نیاز به تعدیل اصل شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های تجاری به طور ویژه در شرایطی که شرکت‌های تجاری فراملی که اغلب به صورت گروه شرکت‌های مادر اداره می‌شوند، از ساختارهای پیچیده برخوردار بوده و این ساختار پیچیده شرایطی را در اختیار سوء استفاده‌کنندگان از استقلال شخصیت حقوقی شرکت تابعه قرار می‌دهد تا برای فرار از مسئولیت حقوقی خود در پناه آن مرتکب اعمالی شوند که سبب ایجاد زیان وسیعی می‌شد {Gholami, 2021 #121686}.

فلسفه دکترین خرق حجاب، بار کردن مسئولیت بر عامل زیان یا تقلب است. از این رو، لازم است که شخصیت حقوقی حفظ گردد. مستند قانونی قائل شدن به شخصیت حقوقی برای تمام شرکت‌های تجاری مواد ۵۸۳ و ۵۸۸ قانون تجارت ایران است. بر این اساس، قانونگذار حقوق و تعهدات شرکت‌های تجاری را مستقل از اشخاص پدیدآورنده آن‌ها دانسته است. بر این اساس است که مسئولیت ایفای تعهدات ناشی از یک قرارداد منعقد شده توسط شرکت با اشخاص ثالث بر عهده مدیران یا سهامداران آن شرکت نیست و منتسب به خود شرکت است. لکن چنانچه مدیران و سهامداران از این استقلال سوءاستفاده نمایند، تکلیف چیست؟ در پاسخ بدین سوال دو فرض قابل تصور است: فرض اول، مسئولیت به طور مطلق و تماماً بر عهده شرکت است. فرض دوم، الگوی مسئولیت نسبی بر مسئولیت شرکت و مدیران حاکم است. قاعده خرق حجاب این نسبی بودن را تخصیص می‌دهد. با وجود احتمال خطراتی که از عملکرد شرکت‌های تابعه پیش‌بینی می‌شود، معمولاً شرکت‌های مادر بر اقدامات شرکت‌های تابعه خود نظارت‌هایی دارند. این نظارت اثر دو عامل است؛ مالکیت عمده سهام شرکت تابعه در ید شرکت مادر بوده یا اینکه شرکت مادر این اختیار را داشته که با انتخاب ناظران و بازرسانی در شرکت تابعه کنترل و نظارت خویش را اعمال کند {Gholami, 2021 #121686}.

قاعده خرق حجاب را می‌توان با اتکا به نظریه انصاف توجیه نمود. مسئولیت محدود و استقلال شخصیت حقوقی شرکت یکی از الزاماتی است که در شرکت‌های ایران مشاهده می‌شود؛ حتی در شرکت‌های اشخاص نظیر شرکت‌های تضامنی، این مسئولیت به چشم می‌خورد. به نحوی که مسئولیت در خصوص آن‌ها طولی است و شرکت ابتدا باید دیون و تعهدات خود را مستقیماً از محل شخصیت حقوقی تأمین نماید، بعد از آن به سراغ مسئولیت مدیران رفت {Eisaei Tafreshi, 2014 #121681}.

با اثبات تقلب یا زیان از سوی مدیر یا هر یک از شرکا، باید مستقیماً به او رجوع نمود و منحل نمودن شرکت در این موارد امری نامعقول به نظر می‌رسد. عدم پیش‌بینی این امر می‌تواند به تزییع حقوق بستانکاران و ناامنی در تجارت با شرکت‌های تجاری منتهی گردد. به همین رو، دکترین خرق حجاب پیش‌بینی شد که از انحلال‌های بیهوده جلوگیری کرده و افراد را متوجه اعمال خود نماید، به‌ویژه در مواردی که با سوءنیت اقداماتی علیه دیگران انجام گرفته است {Pourrashed, 2017 #121695}.

شرکت‌ها ابتدا منحل شده و طلب آن‌ها وصول می‌گردد. همچنین لازم به یادآوری است که دارایی شرکت باید به نفع طلبکاران ضبط و تبدیل به مال گردد. از سوی دیگر، باید بیان داشت که با انحلال شرکت و عدم تکافی پرداخت دیون به طلبکاران، باید به سراغ شرکا رفت و محل طلب را از اموال آن‌ها جبران نمود. مسئولیت شرکا در طول مسئولیت شرکت قرار می‌گیرد. قاعده مسئولیت محدود نیز مانند تمامی احکام اولیه، مقید و محدود به احکام ثانویه و قواعد حقوقی حاکم دیگر است و به‌وسیله قواعد دیگر، استثناء و تخصیص می‌خورد {Eisaei Tafreshi, 2014 #121681}.

در پرونده Salmon در حقوق کامن‌لا که مبنای تاریخی شناسایی قاعده خرق شخصیت حقوقی معرفی می‌شود، اگرچه مسئولیت شرکت از اشخاص حقیقی عضو در آن منفک شده و استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود شرکت اصل است لکن استثناء خرق حجاب از شرکت محقق شده بود {Zamami, 2019 #121705}.

چنانچه تحقق اسباب خرق حجاب شرکت محرز شود، با اعمال این قاعده، طلبکاران می‌توانند برای جبران خسارات خود به دارایی سهامداران و مدیران شرکت متوسل شوند بدون آنکه نیاز باشد ورشکستگی شرکت یا انحلال آن توسط دادگاه اعلام گردد. این مشخصه اول قاعده خرق

حجاب شخصیت حقوقی است. در خرق حجاب، افراد بدون توجه به انحلال شرکت و بدون درخواست دادن به منظور انحلال شرکت می‌توانند مستقیماً به مدیران شرکت مراجعه نمایند {Joneydi, 2015 #121690}.

عدم شناسایی ضرر رساندن به اشخاص ثالث به عنوان یک تکلیف برای عموم اشخاص جامعه در حقوق کامن‌لا این نتیجه را در پی خواهد داشت که یک شرکت مادر هم همانند سایر اعضای جامعه موظف نیست از خسارت زدن جلوگیری کند. اما رویه قضایی در سال‌های اخیر نمایان کننده این امر است که در پاره‌ای از موارد دادگاه‌ها قائل بدین امر هستند که شرکت مادر مکلف است در قبال اعمال شرکت‌های تابعه تعهد خود به مراقبت در مقابل طلبکاران این شرکت‌ها را انجام دهد {Ahmadinia, 2019 #121678}.

هرگاه شرکت مادر سهام قابل توجهی از شرکت فرعی را در اختیار داشته باشد و فعالیت‌های شرکت فرعی تا حدود زیادی به موافقت شرکت مادر بستگی داشته باشد، اعمال خرق حجاب نسبت به شرکت مادر امری طبیعی است؛ زیرا در غیر این صورت، زیان بر بستانکار تحمیل می‌شود. شرکت فرعی هر فعالیتی را که شرکت مادر در نظر دارد انجام می‌دهد. در این شرایط، شرکت مادر تصمیم‌گیرنده اصلی است و نمی‌توان برای شرکت فرعی مسئولیتی در نظر گرفت.

در حقوق آمریکا، چنانچه تشکیل شرکت از سلامت حقوقی برخوردار بوده بدین معنا که تقلب و پنهان‌کاری در مرحله ایجاد شرکت وجود نداشته باشد، همچنین در اداره آن نیز این امر رعایت شده باشد، همچنین طرف قرارداد با شرکت نیز از حسن نیت در ورد به انعقاد معامله با شرکت برخوردار باشد، امکان خرق حجاب از شخصیت حقوقی شرکت وجود ندارد و انتساب مسئولیت ناشی از اعمال غیرقانونی کنترل-کنندگان شرکت به شرکت معتبر نیست. بنابراین در این حالت، سود ناشی از فعالیت‌های صحیح شرکت با توجه به شخصیت حقوقی مستقل و حسن نیت شرکت متعلق به خود شرکت می‌باشد. از جمله تبعاتی که اصل استقلال شخصیت حقوقی برای شرکت‌هایی مسئولیت شرکا در آن‌ها بر اساس الگوی مسئولیت محدود است برای اشخاص ثالث ممکن است در پی داشته باشد، بیرونی شدن ریسک به خطر افتادن اموال و دارایی‌های شرکت و تحمیل آن‌ها به بستانکاران شرکت است {Rajabali Damavandi, 2022 #121696; Rajabali Damavandi, 2022 #121697}.

رویه آمریکا، هماهنگ بودن و نظام‌مند بودن را نوعی مراقبت و ایمنی دانسته و در این شرایط، مسئولیت سازمان تجاری را بر شرکت مادر بار می‌نماید. در پرونده «آموکو کادیز»<sup>۱</sup> برای اولین بار اصول مسئولیت سازمانی به شکل ویژه‌ای مورد توجه دادگاه‌های ایالات متحده قرار گرفت. این پرونده راجع به مسئولیت ناشی از نشت نفت توسط نفت‌کش موسوم به آموکو کادیز که از بندر خارک ایران عازم سواحل رتردام بود، تشکیل شد. کشتی در سواحل فرانسه به صخره برخورد کرده و به گل نشست و کل محموله نفت آن کیلومترها در سواحل فرانسه و دورتر از آن منتشر شد. جمهوری فرانسه و تعدادی از ادارات از جمله شهرداری، تجار و اشخاص دیگر در دادگاه ایالات متحده علیه شرکت‌های گروه آموکو، آستیلور، بوکسییر، اداره حمل و نقل آمریکا و آقای فیلیپز، مدیر عملیات دریایی یکی از شرکت‌های این گروه طرح دعوی کردند. قاضی مک‌گار با این عبارات، شرکت استنادار را به عنوان شرکت مادر، به واسطه اینکه به‌عنوان یک مجموعه نظام یافته عمل کرده بودند، مسئول اقدامات شرکت فرعی خود (AIOC) دانست {Bonnieux, 1993 #121708}.

<sup>۱</sup> - برای مشاهده روند پرونده مراجعه شود به

اگرچه ادبیات به کار رفته توسط قاضی مک‌گار، ظهور در به‌کارگیری دکترین ابزار دارد، لیکن از محتوای تصمیم مشخص است که عناصر و معیارهای دکترین ابزار به کار رفته است، باید رابطه علی میان عملکرد شرکت مادر که شرکت استاندارد بود و واقعه رخ داده پیدا می‌شد تا بتوان به این دکترین که توسط خواهان در مطالبه خسارت مورد استناد قرار گرفته بود حکم صادر می‌شد. چرا که شرکت مادر مرتکب کلاهبرداری نشده بود و نواقص موجود در طراحی، ساخت، حفظ، نگهداری و آموزش خدمه یا عملیات را مثبت عملکرد غیرمنصفانه و نادرستی در ارتباط با کنترل شرکت تابعه توسط شرکت مادر نبود. همچنین شرکت مادر، مالک کشتی نیز نبود. هرچند مسئولیت شرکت استاندارد-شرکت مادر-در خصوص عملیات نظام‌یافته جهانی به همراه ترانسپورت و AIOC متضامناً مسئول شناخته شد. این نکته شایان ذکر است که دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در مواردی مانند آسیب‌های زیست محیطی که خسارات گسترده‌ای به بار آمده است، مسئولیت سلزمن تجاری را پذیرفته و دکترین سستی خرق حجاب به صورت سستی را کنار می‌گذارند {Ahmadinia, 2019 #121678}.

در حقوق آمریکا، استفاده از دکترین خرق حجاب موجب می‌گردد که شخصیت حقوقی شرکت نادیده گرفته شود و مستقیماً مسئولیت برعهده کسی قرار گیرد که شرکت را برای دستیابی به اهداف غیرقانونی خود تأسیس نموده است. دکترین خرق حجاب در جایی استفاده می‌شود که نمی‌توان شخصیت حقوقی شرکای آن را تفکیک نمود. در واقع، شرکت به ابزاری در دست صاحبان آن درآمده و از امکانات شخصیت مستقل شرکت استفاده‌های شخصی می‌نماید {Rezaee, 2017 #121699}.

#### ۱-۲. بقای شرکت‌های فرعی

دکترین خرق حجاب نسبت به شرکت‌های فرعی که از شرکت مادر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، اعمال می‌گردد. ارتباط میان شرکت‌های گروهی که در آن شرکت‌های مادر و شرکت‌های تابعه وجود دارند، پیچیده است. این پیچیدگی به حدی در این ساختار نفوذ دارد که تفکیک منافع و به تبع آن تفکیک مسئولیت عناصر مختلف دشوار می‌نماید. عدالت و انصاف این مسئله را که شرکت مادر با استفاده از عملکرد شرکت تابعه منفعت کسب کند ولی مسئولیت اعمال شرکت تابعه بدو باز نگردد، نمی‌پذیرد. اگر مدیران شرکت‌های فرعی اقدام به مرتکب خلاف شوند، مسئولیت نیابتی ایجاب می‌کند که شرکت مادر به جای آن‌ها مسئولیت داشته باشد. هرگونه تخلف از قانون، اساسنامه، قرارداد یا عرف موجب تحقق مسئولیت می‌گردد و با توقف شرکت، مسئولیت مدیران نسبت به طلبکاران محقق است. آن‌ها در برابر طلبکاران، وظیفه امین بودن را دارند؛ در این شرایط، مدیران باید از حقوق و منافع طلبکاران سیانت نمایند و نباید به زیان طلبکاران عملی انجام دهند. آن‌ها ملزم هستند که از منافع طلبکاران دفاع نمایند و در برابر حفاظت از شرکا، حتی منافع طلبکاران را به خطر نیندازند. نقض این تعهد برای مدیر نوعی تقصیر به شمار می‌رود. به این میان، تفاوتی میان شخص حقیقی و حقوقی نیست. حقوق ایران برای مسئولیت مدیران در خرق حجاب، مسئولیت مبتنی بر تقصیر قائل شده است {Pasban, 2021 #121694}.

هر زمان که شرکت‌های مادر از شرکت‌های فرعی به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود استفاده نموده و آن را صرفاً برای پوشش ظاهری تأسیس نموده‌اند، باید این پوسته ظاهری کنار رفته و مستقیماً زیان را از شرکت مادر درخواست کرد. برای حمایت بیشتر از اشخاص ثالث که در این میان دچار آسیب شده‌اند، باید به شرکت مادر رجوع نمود و مستقیماً او را عامل جبران خسارت دانست. شرکت مادر مسئولیت پاسخگویی نسبت به تعهدات خود را دارد {Tsang, 2020 #121704}.

اگرچه شرکت مادر در قراردادی که شرکت تابعه منعقد می‌کند در ظاهر جایگاهی نداشته باشد اما در حقیقت شرکت تابعه در کنترل شرکت تابعه باشد، دعوای ناشی از این قرارداد به شرکت مادر نیز باید باز گردد. این تعبیر، بنیان قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی را ساخته و به

همین خاطر بعضی از حقوقدانان این قاعده را با عنوان «اصیل واقعی» نیز معرفی نموده‌اند. اموری همچون «تجارت غیرقانونی و متقلبانه، سوء استفاده از نام شرکت، تخلف مدیران در انجام وظایف خود»، مبانی قانونی این قاعده و «نظریه تقلب، انصاف، کنترل، دارا شدن بلاجهت، مسئولیت نمایندگی و مجموعه اقتصادی واحد» مبانی قضایی است که در حقوق بین‌الملل برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث در مقابل فرار از الزامات و تعهدات قانونی از سوی شرکت‌ها با توسل به امتیازات شخص حقوقی، شناخته می‌شود {Gholiniya, 2021 #121687}.

یکی از آثاری که خرق حجاب به دنبال دارد، این است که شرکت مادر مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. مدیران و سهام‌داران شرکت مادر به دلیل اینکه تصمیمات و خط مشی کلی را تنظیم می‌نمایند، در واقع مسئولیت خرق حجاب را هم بر عهده دارند. در این شرایط، به دکتربین ابرار یا مسئولیت نیابتی استناد می‌شود. چنانچه مجموعه‌ای از شرکت‌ها برای دستیابی به یک هدف مشترک تشکیل شوند، حسب شرایطی دادگاه این امکان را دارد آن‌ها را یک واحد در نظر گرفته و شخصیت حقوقی مستقل آن‌ها را در نظر نگیرد. در این دکتربین، مسئولیت شخص حقوقی واحد منتسب به شرکت مادر می‌گردد. پرونده‌هایی نظیر «آدامز علیه کیپ اینداستریز»<sup>1</sup> و «بانک توکیو علیه کارون» از جمله قضایای مشهوری است که در این موارد مورد استناد قرار گرفته و وحدت اقتصادی به عنوان یک شاخصه برای وحدت حقوقی شناخته شد. هرچند وحدت اقتصادی تنها لازمه واحد بودن شخصیت حقوقی نیست. با این حال، مبنای واحد اقتصادی فرصت‌هایی را برای موفقیت در خرق حجاب در پرونده‌هایی که تفسیر قانون موضوعه و مقررات قراردادی در معرض خطر قرار می‌گیرند، فراهم می‌سازد {Ahmadinia, 2019 #121678}.

این امکان که طلبکاران بتوانند طلب خود را از سهام‌داران و مدیران شرکت در صورت عدم دسترسی به دارایی شرکت دریافت نمایند، در کشورهای نظیر ایالات متحده و انگلستان یکی از روش‌ها در دسترس است. این امر بدین خاطر ممکن است که در رویه قضایی و احکام قانونی این کشورهای حوزه کامن‌لا دعاوی متعددی در حوزه مسئولیت شرکت‌های گروه شرکت‌ها با استناد با قاعده خرق حجاب طرح می‌شود. در این حالت، شخصیت حقوقی شرکت باقی می‌ماند، اما طلبکاران می‌توانند از مدیران یا سهام‌داران درخواست طلب نمایند {Ahmadinia, 2019 #121678}.

فروض مختلفی برای تحقق اسباب خرق قابل تصور است اما به طور کلی مرحله تشکیل شرکت یا در مرحله اداره بیشترین محل تحقق این اسباب هستند. طرف دعوا قرار دادن مدیرانی که مسئولیت اداره شرکت را پس از تشکیل آن بر عهده گرفته‌اند در دعاوی مبتنی بر خرق شخصیت در فرضی قابل تصور است که آگاهی این مدیران از وجود سبب خرق در مرحله تشکیل مشخص باشد و آن‌ها نیز این سبب را در اداره شرکت پس از قبول مسئولیت به عنوان مدیر مرتفع ننموده باشند. بنابراین فرض بر این است چنانچه سبب خرق در مرحله تشکیل ایجاد شده باشد، دعاوی مسئولیت تنها علیه مؤسسان و مدیر زمان تشکیل مسموع باشد. در حالتی که مدیران تخلفی از قانون یا مفاد اساسنامه نداشته لکن نقصان دارایی شرکت مستند به عمل آن‌ها باشد، تعیین مسئولیت مدیران بر مبنای خرق حجاب شخصیت حقوقی با دشواری در اثبات روبروست. به تعبیری در این حالت یکی از اسباب خرق موجود بوده و تصمیمات مدیران بر مبنای عرف و رعایت صداقت اتخاذ شده است اما در نهایت از این طریق خسارت به شخص ثالث وارد شده است. آنچه به طور مشترک در نظام حقوق ایران و حقوق خارجی از قواعد عمومی مسئولیت به نظر می‌رسد آن است که در این موارد چنانچه مدیران در اقدامی که سبب خرق شده است، مشارکت به نحو مستقیم داشته

<sup>1</sup> Adams v Cape Industries plc [1990] 2 WLR 659



بشاند یا به این عمل در جلسه هیئت مدیره رأی مثبت داده باشند، امکان انتساب مسئولیت به آن‌ها وجود خواهد داشت {Joneydi, 2015 #121690}.

در واقع، باید بیان داشت که مدیران در راستای اداره شرکت ممکن است که با عمد یا به صورت سهوی مرتکب اشتباهاتی شوند و منافع طلبکاران به خطر بیفتد. به خطر افتادن منافع افراد به نحوی است که مدیران باید مسئولیت آن‌ها را بر عهده گیرند. طلبکاران قادر هستند که از مدیران به دلیل اشتباه یا مدیریت نامناسب خود شکایت نمایند {Kaviani, 2022 #121691}.

در یک پرونده، شرکت کینگ ایندستریال که شرکت مادر در انگلستان و شرکت تابع آن در آمریکا در ایالت تگزاس بود، کارگران علیه شرکت مادر اقامه دعوا کردند که زیان‌های وارد به آن‌ها بر عهده شرکت مادر است و به دکتین خرق حجاب استناد نموده‌اند. لیکن، دادگاه این استدلال را نپذیرفته و بیان داشت که نمی‌توان خسارت وارد بر افراد را در نتیجه مدیریت عامدانه شرکت مادر دانست. این دادگاه استفاده از دکتین خرق حجاب را زمانی قابل قبول دانست که بتوان عمدی بودن آن را نیز اثبات نمود {Tweedale, 2007 #121707}.

### ۱-۳. کنترل شدید شرکت مادر

دو امر در گروه شرکت‌های تجاری موجب پیچیده تر شدن مسئله انتساب مسئولیت می‌شوند. یکی استقلال شخصیت حقوقی هر شرکت از دیگری به عنوان یک امر حقوقی است که با تشکیل هر شرکت از اشخاص تشکیل دهنده‌اش واقع می‌شود و دیگری این واقعیت اقتصادی است که در عملکرد اقتصادی گروه شرکت‌های تجاری، شرکت مادر مسئول کنترل و مدیریت مجموعه برای دستیابی به هدف اقتصادی بوده و از اینرو هر کدام از این شرکت‌ها به مثابه اندام تشکیل دهنده یک مجموعه واحد تحت کنترل مذکور اقدام می‌کنند. بر همین اساس شناخت مسئولیت مطلق برای شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های تابعه، نباید علی‌الاصول از لحاظ حقوق نامعتبر به نظر برسد.

با این استدلال در نظام حقوق تجارت بین‌الملل اصل «وجود مستقل» مبتنی بر واقعیات حقوقی و اصل «وجود واحد» بر پایه عملکرد واحد و در یک راستای اقتصادی گروه شرکت‌ها تبیین می‌شود. تمایل نظام حقوق داخلی کشورها در بحث انتساب مسئولیت به شرکت بیشتر ناظر به اصل «وجود مستقل» است. بر همین اساس نیز، سوء مدیریت و کنترل شرکت تابعه مبنای تمسک به نظریه «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت» در این نظام‌های حقوقی قرار می‌گیرد تا با استناد بدان احراز انتساب مسئولیت به شرکت مادر قابل اثبات باشد.

رابطه میان شرکت هلدینگ و شرکت تابع را باید به نحوی تحلیل نمود که در آن اهداف و آرمان‌های آن‌ها را واحد شمرد. در حقوق ایران، با توجه به خلأ قانونی موجود، با عنایت به عموماًت حقوقی و قواعد فقهی همچون «منع سوءاستفاده از حق»، «من له الغنم فعلیه الغرم»، «مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه»، «مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر» و «تسبیب» و قواعد عمومی حوزه مسئولیت مدنی، می‌تواند در صورت سوء استفاده شرکت مادر از شرکت تابعه برای انتساب مسئولیت به شرکت مادر در نتیجه اقدامات و اعمال شرکت ابعه استناد نمود {Ghazali Kor, 2023 #121685}.

تملك سهام شرکت به میزانی که عنوان سهام کنترل کننده بر آن صادق باشد، یکی از راه‌های کنترل شرکت‌هاست. در حقیقت این امکان برای مالک سهام کنترل کننده وجود دارد تا با توسل به اختیاری که در نتیجه میزان تصاحب سهام شرکت دارد کرسی‌های مؤثر در مجامع و هیئت مدیره شرکت تابعه را در چنگ خود گرفته و هر تصمیم می‌خواهند از طریق مدیرانی که تنها ایفا کننده نقش مشخص شده توسط مالک سهام کنترل کننده است را برای شرکت تابعه بگیرند. به همین دلیل در برخی شرکت‌ها قواعد راجع به محدودیت میزان سهام قابل تملك توسط اشخاص واحد وجود دارد {Amirian Jahromi, 2023 #121679}.

شرکت‌های مادر، اغلب به دلیل تنوع در سرمایه‌گذاری، حاکمیت سیاست یکپارچه، استفاده از مدیران متخصص و کارآمد و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، اقدام به تأسیس شرکت تابعه می‌نمایند {Pasban, 2021 #121694}.

یکی از امارت‌نشان دهنده اختلاط دارایی شرکت مادر و شرکت تابعه، اثرگذاری قطعی شرکت مادر بر شرکت‌های تابعه است. معمولاً در جایی که تمام سرمایه شرکت به شرکت دیگری تعلق می‌یابد یا یک شرکت واسطه که رابطه آن با شرکت مادر قابل احراز است، تمام سهام شرکت را تملک می‌کند، این اثر بیشتر قابل مشاهده است {Gholami, 2021 #121686}.

انصاف و عدالت ایجاب می‌کند شرکت مادر نه فقط در سود شرکت تابعه سهم باشد بلکه در زمانی که شرکت تابعه در اثر اقدامات ناشی از هدایت و کنترل شرکت مادر دچار ورشکستگی یا ضرر می‌گردد نیز این شریک بودن در پذیرش مسئولیت قابل انتساب باشد و اصل مسئولیت محدود در این موقعیت موجب رفع مسئولیت از شرکت مادر نگردد. شرکت‌های هلدینگ همواره با شرکت‌های تابع نوعی رابطه کنترل و مدیریتی دارند. از آنجا که سرمایه‌گذاری شرکت‌های مادر، در رابطه میان شرکت هلدینگ با شرکت تابع را می‌توان بر مبنای قدرت کنترل و هماهنگی آن تحلیل نمود، باید اذعان نمود که رابطه میان این دو شرکت بر مبنای نظارت و کنترل استوار است. به دیگر سخن، رابطه میان آن‌ها، بر اساس کنترل و هماهنگی شکل گرفته است. لازم به ذکر است همین اندازه که اختیار کنترل شرکت تابعه در ید شرکت مادر وجود داشته باید عامل ارتباطی محسوب شود. همچنین هماهنگی نیز باید به عنوان یکی از عوامل ارتباطی شرکت مادر و شرکت تابعه تلقی گردد. بدین معنا که اقدامات شرکت تابعه چنانچه با تصمیمات شرکت مادر هماهنگ باشد، ارتباط بین شرکت مادر و شرکت تابعه از این امر احراز شود. اگر این کنترل از حالت عرفی خارج گردد، می‌توان از دکتین خرق حجاب برای مراجعه به شرکت مادر بهره‌مند گردید {Kaviani, 2015 #121692}.

هرگاه شرکت مادر بر شرکت فرعی کنترل بسیار شدیدی اعمال نماید به نحوی که استقلال شرکت فرعی را بتوان زیر سؤال برد، مسئولیت بر شرکت مادر بار می‌گردد. بر این اساس که برخی حقوقدانان معتقدند چنانچه سهام کنترلی در اختیار شرکت اصلی باشد نفوذ شدید و کنترل اقدامات روزانه شرکت تابعه نیز در حقیقت در اختیار شرکت مادر است.

در نظام حقوقی آمریکا، با تأسیس قاعده «اصیل واقعی» و تحت شرایط خاصی مانند «سلطه و کنترل مؤثر شرکت مادر بر اقدامات شرکت تابعه»، «وحدت مالکیت و منفعت» و «ناعادلانه بودن اقدامات شرکت»، مانع سوءاستفاده شرکت مادر از قالب شرکت‌های تابعه شده‌اند. منطقاً، مطلق انگاشتن مسئولیت محدود شرکت مادر در نتیجه اقدامات شرکت تابعه و اجرای بی‌قید و شرط این اصل را نتیجه‌ای ناعادلانه بر می‌شمارد. بر این اساس دادگاه‌های ایالات متحده قاعده اولیه را اصل مسئولیت محدود شرکت مادر می‌دانند اما به طور استثنائی و در جایی که عملکرد و نحوه استفاده شرکت مادر از شرکت تابعه به گونه‌ای است که نمی‌توان نقش مؤثر شرکت مادر در اقدامات شرکت تابعه را نادیده گرفت،

حکم به ایفای دیون و تعهدات شرکت از محل اموال و دارایی شرکت مادر به عنوان «اصیل واقعی» می‌دهند. چرا که در اینجا ماهیت واقعی حقوقی شرکت تابعه چیزی جز پوشش اصیل واقعی یعنی شرکت مادر در مقام انتساب مسئولیت در معامله با شخص ثالث با حسن نیت نیست.

پذیرش افراطی اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها و در نتیجه این امر مسئولیت محدود شرکا، ضمت حکومت اصل نسبی بودن قراردادهای عامل اصلی ناموفق بودن ورود قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی در حقوق ایران است. این در حالی است که با استناد به مبنای

فقهی و حقوقی همچون «قاعده لاضرر، منع تقلب، نظریه نمایندگی، نظریه استقلال نسبی شخصیت حقوقی، قاعده تسبیب، قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» و غرور»، قاعده «خرق حجاب شخصیت حقوقی» عین رعایت اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت و در نتیجه نسبی شدن اصل مسئولیت محدود، به صورت استثنائی و با احراز شرایط خاص معتبر شناخته شود و دادگاه‌ها امکان صدور رأی به جبران خسارت ناشی از اقدامات شرکت تابعه توسط شرکت مادر را پیدا کنند.

در این حالت دیگر نیازی به طرح دعوی انحلال یا ورشکستگی شرکت تابعه نبوده و تنها وظیفه ایفای مسئولیت شرکت تابعه در مقابل ثالث بر عهده شرکت مادر قرار می‌گیرد. البته چون این امر خلاف اصول است باید با دقت و حساسیت از گسرس بی حد و مرز آن جلوگیری نمود.

چرا که اصل شخصی بودن مسئولیت است و هر شخص مسئول اعمال خود است {Feyzi Chekab, 2020 #121684}.

قاعده «سهام بلوک» بیان‌کننده این امر است که در نتیجه در اختیار داشتن میزان خاصی از سهام توسط شرکت مادر، حق رأی و تعداد آرای شرکت مادر در مجامع شرکت‌های تابعه موجب می‌شود تا توانایی یا انتخاب عزل مدیران در دست شرکت مادر باشد. این امر نوعی کنترل شرکت مادر بر شرکت تابع ایجاد می‌نماید، بنابراین تا حدودی می‌توان این کنترل را طبیعی دانست. لیکن، اگر از حد مشخصی فراتر گردد، این کنترل نامتعارف و غیرطبیعی است.

در حقوق آمریکا دادگاه‌ها- براساس نظریه پاول- با توسل به احراز وقوع همگی یا برخی از مصادیق زیر کنترل شرکت مادر بر شرکت فرعی را را محقق می‌دانند: «الف) شرکت مادر، مالک تمام یا اکثریت سهام سرمایه‌ای شرکت باشد. ب) تأمین مالی شرکت فرعی تماماً بر عهده شرکت مادر است. پ) شرکت مادر تمام سرمایه شرکت فرعی را فراهم می‌کند یا اصلاً خودش شرکت فرعی را ثبت و ایجاد می‌کند. ت) شرکت فرعی از سرمایه‌ای بسیار ناکافی برای مقابله با ریسک‌های ناشی از فعالیت خود بهره‌بردار. ث) شرکت فرعی با هیچ شرکت دیگری به استثناء شرکت مادر فعالیت تجاری ندارد یا هیچ سرمایه‌ای ندارد، جز آنچه شرکت مادر به وی انتقال داده است. ج) مدیران و مجریان شرکت فرعی مستقلاً در راستای منفعت شرکت تصمیم نمی‌گیرند، بلکه از تصمیمات شرکت مادر تبعیت می‌کنند. چ) شرکت مادر از اموال شرکت فرعی به مثابه اموال خود بهره‌بردار. ح) استخدام کارمندان یا وکلای مشترک توسط شرکت مادر و فرعی. خ) استفاده از دفتر یا محل تجاری مشترک میان شرکت مادر و فرعی. د) استفاده از دارایی‌ها و سرمایه‌های شرکت فرعی در جهاتی مغایر با اهداف شرکت» {Ahmadinia, 2019 #121678}.

این مصادیق، نشان دهنده این امر است که شرکت تابعه در حقیقت مانند عضوی از شرکت مادر فعالیت می‌کند. به تعبیری این مصادیق هستی واقعی شرکت تابعه را به عنوان بخشی از شرکت مادر نمایان می‌کند. گویی اینگار شرکت تابعه یک لباس دیگر از شرکت مادر با نامی دیگر و در قالب دیگر آن است. یعنی امکان تمایز قائل شدن بین اعمال و اقدامات شرکت تابعه و مادر در این حالت بسیار سخت است. در اینجا نمی‌توان استقلال شخصیت شرکت تابعه از شرکت مادر را متصور دانستو بر این اساس مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه امری متصور است {Razavi, 2019 #121698}.

در حکم دادگاه شیکاگو، قاضی بیان داشت که برای استفاده از دکترین خرق حجاب لازم است که به این نکته توجه شود که شرکت مادر تا چه اندازه در شرکت فرعی مالکیت داشته یا اینکه مدیران مشترک میان این دو شرکت تا چه اندازه هستند یا در مواردی که سرمایه شرکت فرعی ناکافی بوده و بیشتر از طریق شرکت مادر تأمین مالی می‌گردد، وجود هر یک از این عوامل می‌تواند کنترل شرکت مادر بر شرکت فرعی

را اثبات کرده و مسئولیت را بر عهده شرکت مادر قرار دهد. خرق حجاب شرکت مادر در این شرایط می‌تواند منطقی و معقول جلوه نماید، چه آنکه کنترل اصلی بر شرکت فرعی را بر عهده دارد {Sparkman, 2016 #121710}.

## ۲. مسئولیت مدیران در دکترین خرق حجاب

در این قسمت اعمال قاعده خرق حجاب و توجه مسئولیت به مدیران شرکت مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. اداره شرکت به وسیله مدیر

دولت‌ها بر مبنای اصل عدم دخالت علی‌الاصول نباید به تفحص فعالیت سهامداران، مدیران و شرکت‌های مادر بپردازند لکن بعضی اهداف سیاسی موجب می‌شود تا با تویل به اصل نظارت، فعالیت‌های این اشخاص مورد کند و کاو قرار گرفته و چنانچه در نتیجه این تحقیقات معلوم گردد سهامداران یا مدیران شرکت با توسل به شخصیت حقوقی شرکت مرتکب اعمال مجرمانه شده‌اند، با نادیده گرفتن شخصیت حقوقی، امکان مجازات این اشخاص فراهم شود {Pasban, 2021 #121694}.

در حقوق آمریکا، مدیران شرکت در اعمال دکترین خرق حجاب نقش مهمی دارند، به این صورت که می‌توان با استناد به دکترین خرق حجاب علیه مدیران اقامه دعوا نمود. لفظ مدیر در حقوق کامن‌لا نشان‌دهنده وضعیت فرد در اداره امور شرکت و نمایندگی قانونی است. این لفظ یک لفظ عام است. اصطلاحات، (Board of Directors) به معنای اعضای هیئت مدیره، (Chief Executive Officer: CEO) به معنای مدیر عامل و (Officers) به معنای مدیران اداری همگی آثار حقوقی نقش مدیریت را به دنبال دارد. سهامداران مستقیماً مدیران را به منظور اداره شرکت انتخاب می‌نمایند و به عنوان نمایندگان سهامداران و شرکت‌های تجاری به شمار می‌روند {Lipson, 2022 #121693}.

در هر دو نظام ایران و آمریکا، تنها خرق حجاب را می‌توان نسبت به اعضای هیئت مدیره اعمال نمود و نمی‌توان از سایر مدیران، از جمله مدیران اداری در این زمینه استفاده نمود. ارکان اصلی شرکت که هیئت مدیره، مجامع و بازرسان هستند، با انتخاب مدیر عامل برای اداره عملی شرکت، مسئولیت امور اجرایی شرکت و اداره آن را بر دوش او قرار می‌دهند. اداره شرکت مستلزم مسئولیت‌هایی برای اداره‌کننده آن است. در واقع، هرچه میزان اختیارات بیشتر باشد، مسئولیت‌های اداره‌کننده شرکت نیز ارتقا می‌یابد. هیئت مدیره و مدیران عامل اگر از اساس نامه، قانون و عرف تخطی نمایند، مسئولیت خواهند داشت {Sotoudeh Tehrani, 2023 #121702}. زمانی می‌توان به دکترین خرق حجاب نسبت به مدیر استناد نمود که عملاً اداره شرکت در دست مدیر باشد؛ نمی‌توان نسبت به مدیری که هرگز فعالیت نمی‌کند، دکترین مزبور را اعمال کرد.

برخی حقوقدانان معتقدند در حقوق ایران، حکم قانون‌گذار در خصوص استناد مسئولیت شرکت به مدیر یا کرکنان نشان‌دهنده این امر است که قاعده خرق حجاب را در موارد استثنائی پذیرفته شده و زمانی که حکم به ادای دیون شرکت توسط اعضای آن داده می‌شود، قانون‌گذار عملاً استقلال شخصیت حقوقی را به عنوان یک اصل قابل انعطاف پذیرفته است نه اصلی که امکان عدول از آن تحت هیچ شرایطی و به صورت مطلق نداشته باشد {Gholiniya, 2021 #121687}.

### ۲-۲. وجود تقلب یا تقصیر از سوی مدیر

مدیر باید مرتکب تقصیر اعم از عمدی یا غیرعمدی شده باشد که بتوان دکترین خرق حجاب را نیز اعمال نمود. با توجه به مواد ۵۴۱ و ۵۴۲، اگر مدیر شرکت اموال و دارایی شرکت را صرف معاملات موهوم متوجه نمایند یا برای تحقق ورشکستگی معامله‌ای نمایند که به توقف شرکت بینجامد یا در مهلت قانونی توقف شرکت را اعلام نکنند یا اینکه سپرده‌های سنگین بسپارند، به مجازات محکوم شده و باید خسارت

وارد آمده را جبران نمایند. در این موارد، مدیران به دلیل تقصیر در ورشکستگی شرکت باید نسبت به سهام‌داران و طلبکاران پاسخ‌گو باشند. در واقع، هیچ کس حق اضرار به دیگری را ندارد {Kaviani, 2022 #121691}.

مسئولیت مدنی مدیران در حقوق ایران مبتنی بر تقصیر است. به این صورت که باید ابتدا برای مدیر تقصیر قائل شد که خسارت را مستقیماً به او متوجه نمود، نه به شرکت. تقصیر شخصی عبارت از انجام یا ترک انجام کاری است که برای انجام‌دهنده یا ترک‌کننده پشیمانی و سرزنش آور باشد. مسئولیت مدنی مدیران، علاوه بر این که محدوده اختیارات و وظایف مدیران را مشخص می‌کند، فکرها را به حقوق شرکت، حقوق شرکت و حقوق اشخاص ثالث نیز پیوند می‌دهد. یقیناً وضع مسئولیت مدنی برای مدیران این مزیت را خواهد داشت که ایشان تمام تلاش خود را برای به حداقل رساندن اشتباهات اعمال کنند و احتیاط و نظارت بیشتری بر اقدامات و فعالیت شرکت داشته باشند. هرگاه مدیر در اداره شرکت مرتکب گناه گردد و تقصیری انجام دهد، باید مسئولیت آن را هم بر عهده گیرد. شرکت‌ها توسط مدیرانی اداره می‌شوند که مسئول حفظ حقوق سهام‌داران، صاحبان سرمایه و اشخاص ثالث‌اند. این مسئولیت، گاه قراردادی است و گاه قهری و قانونی. تحمیل مسئولیت بر مدیران، بسته به ماهیت رابطه آن‌ها با شرکت و اشخاص ثالث، صورت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد {Bani-Sa'eed, 2012 #121680}.

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدیر از نظریه امانی بودن او ناشی می‌شود. به این ترتیب، مدیر امین محسوب می‌شود و امین وفق نظام حقوقی ایران، زمانی مسئولیت دارد که نوعاً و عرفاً مرتکب تقصیری شده باشد که به زیان شرکت، شخص ثالث یا سهام‌داران منتهی شده باشد. اگر مدیر در حدود اختیارات خود عمل نماید، مسئولیت ندارد؛ زیرا او امین است مگر اینکه تعدی یا تفریط آن‌ها به اثبات برسد {Kaviani, 2022 #121691}.

با قبول مدیریت از سوی شخص مدیر، وظایف گسترده‌ای برای او شکل می‌گیرد و میان مدیر با شرکت ارتباط برقرار می‌شود. شرکت‌های تجاری شخصیت حقوقی مستقل دارند که مدیران از جانب او معاملات منعقد می‌نمایند. ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت، در این خصوص اشعار می‌کند که «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون، اخذ تصمیم و اقدام درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است». در صورتی که مدیران شرکت در راستای انجام وظیفه، مرتکب جرم اعم از کلاهبرداری، تقلب در کسب، خیانت در امانت، جرائم خاص قانون تجارت، نظیر ورشکستگی به تقلب یا تقصیر شوند، از باب ضرر و زیان ناشی از جرم، مسئول جبران خسارات زیان‌دیده هستند و ذی‌نفع می‌تواند با طرح دعوی حقوقی به طرفیت آن‌ها، ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم را مطالبه کند. مقنن ایرانی مدیرانی را که موجب ورشکستگی شرکت شده‌اند، مسئول می‌داند. مدیری که موجب ورشکستگی شرکت شده، باید مسئولیت تصمیم و اقدامات خود را بر عهده بگیرد. ماده ۱۲۳ قانون لازم‌الاجرای تجارت، مبنای این مسئولیت را بر اساس تقصیر دانسته است و تقصیر را باید بر اساس قواعد تسبیب و با تکیه بر ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی محقق دانست. با توجه به ماده ۱۲۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، ورشکستگی و انحلال شرکت که اثر عمل مدیر برای شرکت رخ داده باشد و همچنین عامل دیگری نیز محرز باشد و آنهم عدم کفایت سرمایه شرکت برای تأیید دیون آن، مسئولیت از شرکت به مدیر مسبب ورشکستگی یا انحلال تسری می‌یابد. اما در خصوص سایر شرکت‌های با مسئولیت محدود یعنی شرکت‌های غیرسهام‌ریال در تقابل قواعد مسئولیت مدنی با اصل

محدود دانستن مسئولیت شرکا در نتیجه استقلال شخصیت شرکت، نمی‌توان مسئولیت سهامداران و مدیران را در عرض مسئولیت شرکت متصور دانست. حتی در مورد شرکت‌های تضامنی نیز مراجعه به شرسک ضامن پس از احراز عدم کفایت سرمایه شرکت برای تأدیه دیون ممکن است. نتیجه اینکه اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا موجب می‌شود تا مدیران در سایر شرکت‌های تجاری نیز در شرایط محدود با انتساب مسئولیت ناشی از عمل شرکت مواجه باشند {Ahmadinia, 2019 #121678}.

مدیران زمانی مرتکب تقصیر شده‌اند که عرفاً مدیر یک شرکت در آن شرایط مرتکب آن عمل نمی‌گردد یا از آن عمل امتناع می‌نماید. «عمل خلاف عبارت است از تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی (به صورت فعل یا ترک فعل)». در تشخیص تقصیر مدیر، لازم است که معیار شخصی و نوعی را هم‌زمان مورد استفاده قرار داد. مدیران شرکت باید اموال شرکت را به‌خوبی نگهداری نمایند و از این طریق حقوق اشخاص ثالث را رعایت نمایند. بی‌توجهی به حقوق ثالث و زیان به شرکت نوعی تعدی و تفریط به شمار می‌رود {Sadati, 2023 #121700}.

مقنن مسئولیت مدنی مدیران را شامل دو نوع فردی و تضامنی قرار داده است. مسئولیت فردی همان است که هر فرد خساراتی را جبران می‌نماید که از ناحیه او به دیگران وارد می‌آید. این نوع مسئولیت اصل است و در موارد بسیار استثنائی مسئولیت تضامنی نیز برای مدیران محقق می‌گردد. مسئولیت تضامنی: مسئولیتی که در برابر همه اشخاص حقیقی و حقوقی، تمامی کسانی که مسئول هستند، پاسخگو خواهند بود. علاوه بر اینکه حق انتخاب از میان آن‌ها برای دارنده حق محفوظ است {Pasban, 2021 #121694}.

با بررسی تحولات صورت گرفته در خصوص مسئولیت ناشی از تخلف از مقررات قانونی مدیران یا تقصیر ایشان در اداره شرکت، ماده ۶۱ قانون تجارت ۱۳۱۱، به طور خاص فرض ورشکستگی یا نقصان سرمایه شرکت در نتیجه عمل مدیران را به عنوان یک تقصیر شناسایی ننموده بود. همین امر موجب شد قانون‌گذار در سال ۱۳۴۷ با پیش‌بینی ماده ۱۴۳ فرض تقصیر مدیران در چنین شرایطی را پیش‌بینی نموده و با تکرار حکم مقرر در ماده قانون ۶۱ قانون سال ۱۳۱۱ در ماده ۱۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ نتیجه این تقصیر را مقرر نماید

در ماده ۱۴۲ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اشخاص ثالث و در ماده ۲۷۶ از همان لایحه دارندگان بیش از ۲۷ درصد از سهام شرکت به عنوان اشخاصی که صالح به طرح دعوای مسئولیت مدیران شرکت در قبال خسارات ناشی از تقصیرات آن‌ها هستند، معرفی شده‌اند {Joneydi, 2015 #121690}.

در حقوق آمریکا، مسئولیت مدیران مبتنی بر تقصیر است و برای تشخیص تقصیر از معیار عرفی بودن اعمال شخص محتاط استفاده می‌شود. قید انسان محتاط موجب می‌گردد که محدوده سخت‌گیری اشخاص را افزایش داد و نسبت به آن‌ها سخت‌گیری بیشتری اعمال کرد؛ اما در نظام حقوقی آمریکا تنها مسئولیت سخت‌گیرانه نسبت به مدیران هیئت مدیره است و مدیران اجرایی مسئولیت امانی داشته و نمی‌توان آن‌ها را جز با اثبات تقصیر محکوم نمود {Hamermesh, 2005 #121688}.

## ۲-۳. دکترین خرق حجاب علیه مدیران با اهداف سیاسی

در برخی از شرایط، مسئولیت مدیران بنا به اهداف سیاسی مستقیم و محض است. به دیگر سخن، نیازی به ارتکاب تقصیر نیست. برخی از اهداف سیاسی موجب می‌شود که کشورها علیه مدیران به صورت مستقیم اقدام دعوا نمایند که این امر در نظام حقوقی آمریکا به کرات دیده

می‌شود. اگر اثبات شود که اشخاص نامبرده با اهداف مختلف اقدام به اعمالی نموده‌اند که قابل مجازات است، مستقیماً به شخصیت حقوقی آن‌ها رجوع کرده و خسارت را از آن‌ها دریافت می‌نمایند {Macey, 2014 #121709}.

با اعمال تحریم بر شرکت‌ها، علاوه بر آنکه دارایی این شرکت‌ها توقیف شد، فعالیت تجاری و هرگونه معامله و سودآوری از آن‌ها سلب شد. در این شرایط، در کنار توقیف معاملات شرکت، مستقیماً علیه مدیران این شرکت‌ها اقامه دعوا گردیده و اموال آن‌ها مورد تحریم قرار گرفته است. این امر در خصوص مدیران شرکت‌های نفتی در ارتباط با ایران به کرات دیده شده است {Razavi, 2019 #121698}.

در نظام حقوقی آمریکا، از این نوع دکترین خرق حجاب استفاده زیادی می‌گردد. آمریکا برای تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، اقدام به اعمال دکترین خرق حجاب نسبت به مدیران خود می‌نماید. جرم‌انگاری هرگونه معامله و تبادل مالی با ایران و تعیین مجازات‌های مختلف نظیر حبس، جزای نقدی و مصادره، نشان دهنده ماهیت کیفری ایت دست مقررات هستند که هدف قانون‌گذار آمریکایی از تصویب آن تأمین منافع ملی آن کشور بوده است. مدیران شرکت در این نوع معاملات مسئولیت دارند و نیازی به اثبات تقصیر نیست؛ زیرا مسئولیت محض و مستقیم است. در این نوع معاملات، مسئولیت محدود و استقلال مدیر نقض شده و مدیر نیز مشمول مجازات قرار می‌گیرد {Lipson, 2022 #121693}.

بنابراین چنانچه شرکت تجاری آمریکایی مقررات مربوط بدین تحریم‌ها را نقض کند، مدیر این شرکت با مسئولیت محض روبروست. البته این محدودیت به ارائه کالا و خدمات آمریکایی به طور مستقیم به ایران نه تنها چنانچه به طور مستقیم باشد جرم انگاری شد، حتی در صورت ارتکاب به شکل غیرمستقیم نیز واجد مسئولیت است. نظام حقوقی آمریکا برای اتباع آمریکا هرگونه معامله با ایران ممنوع است مگر معاملاتی که به قصد اعمال بشردوستانه انجام گرفته یا هدایایی کمتر از ۱۰۰ دلار و کالاهای کشاورزی، دارویی و ابزار پزشکی در صورتی که مجوزهای لازم را اخذ کرده باشند. سایر معاملات با ایران ممنوع است و در صورت معامله مدیران شرکت مورد اعمال دکترین خرق حجاب قرار می‌گیرند (Iranian Transactions Regulations, Title 31, Code of Federal Regulations, §560.314, 2006).

در پرونده‌ای که در سال ۲۰۰۸ در این راستا علیه نیکلاس گرسیوس به جریان افتاد، او که مدیر عامل شرکت وایکینگ (تجهیزات آتش‌نشانی) بود که با ایران معاملات غیرمستقیمی را انجام داده بود، مورد تعقیب و محکومیت از سوی دادگاه قرار گرفت. دادگاه ایالت ایلینوی برای توجیه اعمال دکترین خرق حجاب علیه او استدلال نمود که آقای گرسیوس قادر به کنترل اوضاع بوده و می‌توانسته از معامله جلوگیری نماید، لیکن این عمل را انجام نداده، بنابراین می‌توان به‌موجب دکترین خرق حجاب مستقیماً برای دریافت جریمه به اموال شخصی او رجوع نمود.

#### ۲-۴. اقامه دعوا علیه مدیران توسط شرکت

دکترین خرق حجاب علیه مدیران زمانی اعمال می‌شود که مدیر مرتکب یک تقصیر شده باشد؛ بنابراین، اگر شرایط دکترین خرق حجاب نسبت به یکی از مدیران هیئت مدیره قابل اعمال باشد، می‌توان آن را از طریق سهام‌داران، دیگر اعضای هیئت مدیره و اشخاص ثالث بر طبق مواد ۱۴۲ و ۲۷۶ طرح دعوا نمود {Kaviani, 2022 #121691}.

دعوی مستقیم شرکت علیه مدیران زمانی موضوعیت می‌یابد که در اثر سوءمدیریت مدیر، سرمایه شرکت کاسته شده باشد. در این صورت، قانون‌گذار به برخی از شرکا این اجازه را داده است که مستقیماً علیه مدیر از طرف شرکت اقامه دعوا نمایند. دوم، زمانی است که یکی از افراد، اعم از شرکا یا اشخاص ثالث، به دلیل زیان وارده به خود علیه مدیر اقامه دعوا نماید، مانند اینکه مدیرعامل سود برخی از شرکا را به جای

پرداخت به آنان، مستقیماً در دست خود نگه دارد. در اینجا، حاصل دعوا مستقیماً به فرد مدعی برمی‌گردد، نه شرکت { Eskini, 2019 #121683 }.

اگر ورشکستگی یا هر زیان در اثر تقصیر مدیر باشد، با توجه به مواد ۱۴۱ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی، مسئولیت با مدیر است و او باید زیان‌های وارد آمده را جبران نماید. مدیران در برابر شرکت و طلبکاران و سهام‌داران شرکت، امین به شمار می‌روند و هر وظیفه‌ای که امین باید انجام دهد، برای مدیران هم قابل تصور است. اگر در حدود اختیارات خود عمل نمایند، مسئولیت بر عهده ندارند، ولی اگر اثبات شود که زیان وارد شده یا عمل غیرقانونی که به ورشکستگی یا انحلال شرکت انجامیده است، به اعمال آن‌ها مستند است، آن‌ها باید مسئولیت آن را بر عهده گیرند. مسئولیت مدیران به رابطه قراردادی آن‌ها با شرکت بستگی زیادی دارد و در کنار آن، مدیران دارای مسئولیت‌های قانونی و عرفی هم می‌باشند. این موضوع با استناد به مفاد ماده ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت قابل دریافت است { Kaviani, 2022 #121691 }.

در حقوق آمریکا، مسئولیت مدنی، باید عنصر تقصیر، ورود ضرر و رابطه سببیت بین تقصیر و زیان وارده از سوی مدعی اثبات شود و جبران خسارت نیز فقط نسبت به زیان‌دیده تا میزان خسارت وارده صورت می‌گیرد. در تعیین خسارت نیز تناسب با درجه تقصیر یا درجه تأثیر عمل مقصر سنجیده می‌شود، در حالی که در خرق حجاب، دادگاه تنها موجبات و امکان خرق را بررسی می‌کند و چنانچه شرایط آن فراهم بود، نسبت به همه دیون و اشخاص، بدون لحاظ درجه تقصیر یا تأثیر عمل و نسبت به همه طلبکاران، جبران صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، مدیر رسمی، عملی و سایه یک شرکت کاغذی که شرکت را ابزار تجارت خود قرار داده است، مسئول کلیه دیون شرکت در برابر همه اشخاص است و تحمیل این مسئولیت به مدیران و سهام‌داران منوط به احراز عدم کفایت دارایی شخص حقوقی و انحلال آن نیست { Ahmadinia, 2019 #121678 }.

در حقوق آمریکا، اتحادیه اروپا و انگلستان، در بسیاری از مواقع ایران را تحریم اقتصادی نموده‌اند، به نحوی که شرکت‌های فعال در این کشورها حق معامله با آن‌ها را ندارند. در این شرایط، اگر یک شرکت با قوانین تحریم را نقض کند، کشور انگلستان بدون توجه به شخصیت حقوقی آن شرکت، باید خرق حجاب نموده و مستقیماً مدیر را مسئول آن بدانند. در این شرایط، مجازات‌هایی هم برای آن تعیین شده است. در واقع، اهداف سیاسی در این شرایط موجب خرق حجاب در شرکت‌های بازرگانی انگلیسی گردیده است. این شرایط نوعی مسئولیت محض برای مدیران را در نظر می‌گیرد. مقررات تحریمی معین می‌نمایند که هیچ شرکت انگلیسی حق معامله با ایران را ندارد و در غیر این صورت، مدیر آن شرکت به موجب قوانین ملزم برای انگلستان، مورد مجازات قرار می‌گیرد.

با توجه به ماده ۲۱۴ قانون ورشکستگی انگلستان، هرگاه مدیران یک شرکت در معرض ورشکستگی، می‌دانسته یا عرفاً باید به این نکته آگاه می‌بودند که ورشکستگی شرکت گریزناپذیر است، ولی با این وجود فعالیت شرکت را متوقف نکند، مرتکب تجارتي محیلانه شده است. در این راستا، دادگاه می‌تواند برای آن مسئولیت در نظر گیرد. در این مسیر، دادگاه برای تشخیص مسئولیت مدیر از یک ضابطه نوعی استفاده می‌کند؛ به این صورت که یک مدیر دیگر در این شرایط چه عملی را انجام می‌داد؟ باید به موقعیت شرکت هم توجه نمود. اگر هر شخص متعارف در این شرایط به این نتیجه برسد که شرکت به سمت و سوی ورشکستگی می‌رود، می‌توان برای مدیر مسئولیت در نظر گرفت { Rezaee, 2017 #121699 }.



اقامه دعوا علیه مدیر در دکتین خرق حجاب در نظام حقوقی ایران و آمریکا صرفاً می‌تواند نسبت به مدیری باشد که به صورت مستقیم موجب بروز زیان شده یا اینکه در آن تصمیم‌گیری رأی مثبت داده باشد. نمی‌توان مسئولیت محدود مدیری را که رأی منفی داده است نقض نمود و دکتین خرق حجاب را نسبت به او اعمال کرد. در واقع، در نظام حقوقی آمریکا نیز که فرض بر تقصیر است، مدیر تنها زمانی در معرض این اتهام قرار می‌گیرد که در تصمیم منتهی به زیان تأثیر مثبت داشته باشد {Tsang, 2020 #121704}.

در حقوق کامن‌لا، دکتین خرق حجاب نوعی دعوی تبعی می‌باشد. چرا که خرق حجاب نشان‌دهنده یک وضعیت است نه یک اقدام حقوقی. به تعبیری خرق حجاب منبع حق یا تعهد برای طلبکاران نیست بلکه این عمل و وقایع حقوقی شرکت هستند که اسباب رجوع طلبکاران به سهامداران یا مدیران در نتیجه احراز وضعیت خرق حجاب را ایجاد می‌کنند. خرق حجاب شخصیت حقوقی سبب دعوی مستقلی به حساب نمی‌آید. خرق حجاب شخصیت حقوقی از جمله منابع حق و تعهد نیست. اعمال حقوقی و وقایع حقوقی مستند به شرکت هستند که منبع حق طلبکاران بر رجوع به سهامداران یا مدیران به شمار می‌روند {Joneydi, 2015 #121690}.

### نتیجه‌گیری

دکتین خرق حجاب از مهم‌ترین اصول حاکم بر شرکت‌های تجاری است که با فساد شرکتی مقابله کرده و موجب افزایش شفافیت در آن می‌گردد. می‌توان با استفاده از دکتین خرق حجاب از تقلب جلوگیری کرده و از اشخاص ثالث و سهامداران در مقابل عاملان سوءاستفاده حمایت نمود. دکتین خرق حجاب موجب شفافیت در شرکت‌های تجاری شده و از هرگونه فساد و پنهان‌کاری جلوگیری می‌نماید. با استناد به این دکتین می‌توان باعث افزایش مسئولیت‌پذیری فعالان در حوزه تجاری گردید؛ بنابراین، دکتین خرق حجاب ضامن حقوق اشخاص ثالث و نظم تجاری می‌گردد.

در حقوق ایران، دکتین خرق حجاب به صورت صریح پیش‌بینی نشده است، اما می‌توان با استناد به مواد متعدد که مسئولیت مستقیم بر سهامداران، شرکت مادر یا مدیران بار می‌نماید و با استناد به قواعد کلی مانند منع سوءاستفاده از حق، منع تقلب، قاعده اتلاف، تسبیب و لاضرر، این دکتین را مورد استعمال قرار داد. عدم پیش‌بینی صریح قانون‌گذار موجب می‌شود که تفسیرهای موافق و مخالف متعددی در استفاده از این دکتین شکل گیرد و در رویه از اجرای آن امتناع گردد. در مقابل، در حقوق آمریکا استعمال دکتین خرق حجاب در کلیه ایالت‌های این کشور به رسمیت شناخته شده و محاکم این کشور این قاعده را به خوبی مورد استفاده قرار می‌دهند. حقوق آمریکا زمینه اعمال دکتین خرق حجاب را فراهم کرده و یکی از کشورهایی به شمار می‌رود که از این قاعده به نحو مطلوبی برای نظم بخشیدن به امور تجاری خود استفاده می‌کند. در حقوق ایران، از آنجایی که این دکتین به رسمیت شناخته نشده است، باید حسب مورد به بررسی مصادیق پرداخت و شرایط اثبات آن را مورد تحلیل قرار داد. به دیگر سخن، نمی‌توان در حقوق ایران مصداق معین و شرط مشخصی در این زمینه قائل گردید؛ اما با این وجود، لزوم تقلب در آن یکی از شرایط بسیار مهمی است که باید مطمح نظر قرار گیرد. از سوی دیگر، لازم است که عمل انجام شده نامشروع و غیرقانونی بوده و نوعی زیان در پی داشته باشد. در حقوق آمریکا، به منظور استفاده از دکتین خرق حجاب، کنترل شدید، تقلب و بروز زیان، سه شرط مهمی است که باید تحقق یابد. در شرایطی می‌توان از این دکتین استفاده نمود که بتوان تقلب احدی از مدیران، سهامداران یا شرکت مادر را برای کسب منفعت طلبی غیرمنصفانه فراهم نماید. حقوق آمریکا نسبت به ایران قلمروی تقلب و تقصیر را وسیع‌تر و متنوع‌تر قرار داده است. استفاده ابزاری از شرکت، وحدت مالی و منافع میان شرکت و عامل تقلب، کنترل شدید و غیرمنصفانه از مهم‌ترین مصادیق تقلب در شرکت‌ها می‌باشد. حقوق ایران اثبات تقصیر را بر مدعی زیان وارد نموده و در حقوق آمریکا، بار اثبات را بر عهده مدیر،

سهامدار یا شرکت مادر بار نموده است. از این رو، نسبت به حقوق ایران، حمایت بیشتری می‌تواند از اشخاص ثالث بنماید. در خصوص اعمال دکترین خرق حجاب در حقوق ایران و آمریکا، تفاوتی میان شرکت‌های اشخاص و شرکت‌های سرمایه وجود ندارد؛ به نحوی که در هر نوع شرکت می‌توان آن را مورد استعمال قرار داد. حقوق آمریکا زیان را شامل هر نتیجه غیرمنصفانه تلقی می‌نماید، لیکن این مفهوم در حقوق ایران کاربرد چندانی ندارد. حقوق ایران زیان را با توجه به عرف، قانون و شرع در نظر می‌گیرد که می‌تواند منصفانه بوده یا نباشد. تمامی زیان‌های غیرمنصفانه در حقوق ایران زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که این زیان‌ها شرع و قانون آن را به رسمیت نشناسد. دکترین خرق حجاب را می‌توان نسبت به سهام‌داران، شرکت‌های مادر و مدیران حسب مورد مطرح نمود که شخص مدعی نیز می‌تواند هر یک از بستانکاران، شرکت، سهام‌داران یا مدیران باشد. در خصوص مواردی که دکترین خرق حجاب نسبت به هر یک از مدیران یا سهام‌داران صورت می‌گیرد، باید این نکته به اثبات برسد که مدیر یا سهام‌دار در سایه بوده و در واقع تصمیمات اصلی و اساسی را او اتخاذ کرده و ورشکستگی کنونی شرکت ماحصل تصمیمات او بوده است. در این شرایط، عدم تکافی اموال شرکت نمی‌تواند جبران‌کننده بدهی بستانکاران باشد تا جایی که بستانکاران برای دریافت طلب خویش به تصمیم‌گیرنده اصلی یا عامل بروز طلب می‌توانند رجوع نمایند. اعمال دکترین خرق حجاب نسبت به شرکت‌های مادر زمانی صورت می‌گیرد که کنترل شرکت مادر بر شرکت تابع به نحوی است که استقلال آن را زیر سؤال می‌برد و می‌توان شرکت تابع را به مثابه ابزاری برای نیل به اهداف شرکت مادر تلقی نمود. از سوی دیگر، شرکت مادر وظیفه مراقبت خود را به درستی انجام نداده و در نتیجه، زیانی به مدعی وارد آمده است. در تعیین کنترل بیش از حد شرکت مادر، عواملی چون میزان سهام و سرمایه شرکت مادر، وجود مدیر یا نماینده برای اداره شرکت تابع، قدرت تصمیم‌گیری شرکت تابع در معاملات و نظایر آن، ملاک قرار داد. در برخی از مواقع، کشورها برای اهداف سیاسی دست به اعمال دکترین خرق حجاب می‌زنند، به نحوی که شرکت ناقض اهداف سیاسی خود را مورد هدف قرار داده و مدیران آن شرکت یا سهام‌داران آن را به صورت مستقیم مورد پاسخگویی قرار می‌دهند. این امر در تحریم‌های صورت گرفته آمریکا علیه ایران به کرات دیده شده است، به نحوی که آمریکا شرکت‌های ناقض تحریم‌ها علیه ایران را مورد تعقیب قرار داده و مستقیماً اموال مدیران و سهام‌داران فعال در زمینه معاملات مزبور را مورد مصادره قرار می‌دهد. اعمال دکترین خرق حجاب با هدف سیاسی معمولاً با انگیزه برقرار نمودن امنیت سیاسی، نظم عمومی و امنیت ملی انجام می‌گیرد. آثار اساسی اعمال دکترین خرق حجاب را می‌توان بقای شخصیت حقوقی شرکت تجاری، نقض موقت اصل مسئولیت محدود و جدایی کوتاه‌مدت اصل استقلال شخصیت مدیران، سهام‌داران و شرکت‌های تجاری از شرکت دانست. در این شرایط، عاملی که موجب وضعیت شرکت شده است باید در مقابل زیان‌ها و بدهی‌های شرکت تجاری پاسخگو باشد. این امر می‌تواند انحلال شرکت را نادیده انگاشته و عامل اصلی ورشکستگی شرکت را به صورت انحصاری مسئول بداند.

پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه قانون ایران از دکترین خرق حجاب به صورت مستقیم و صریح یاد نکرده و دادرسان باید به صورت پراکنده به اصول کلی مراجعه کنند تا از این دکترین استفاده نمایند، در قانون تجارت، به ویژه لایحه تجارت در دست بررسی، به صورت صریح موارد نقض اصل مسئولیت محدود و استقلال نسبی معین گردند. همچنین پیشنهاد می‌شود که در وضعیت کنونی، دادگاه‌ها رویه مشخصی را در استفاده از دکترین خرق حجاب به کار گیرند، چه آنکه در آمریکا نیز این دکترین بیشتر از طریق رویه قضائی مشخص گردیده است تا قانون‌گذاران فدرال و ایالتی. از این رو، محاکم ایران با ایجاد رویه روشن در این زمینه می‌توانند نقض قانونی را تا حدی جبران نمایند و دیوان عالی کشور مهم‌ترین نقش را در این زمینه ایفا می‌کند.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

### References

- Abdoli, R., Afsharnia, T., & Rajabzadeh Estahbani, A. (2022). Laws Governing Electronic Contracts from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law. *Quarterly journal of interdisciplinary jurisprudence studies*(8), 123-140.
- Abu-Bakar, M. M. (2018). *Shariah Analysis of Bitcoin, Cryptocurrency, and Blockchain*. <https://blossomfinance.com/bitcoin-working-paper>
- Almasi, N. A., & Akhlaqi, B. (2017). Rights and Obligations of Parties in Electronic Sales. *Quarterly Journal of Comparative Research in Iran and International Law*, 10(37), 241-287.
- Ansari, M. b. M. (1994). *Kitab al-Makasib*. World Congress for Commemoration of Sheikh Ansari Publications.
- Ansari, S. M. (1990). *Kitab al-Makasib*. Dar al-Zakhair Publications.
- Azari, S., Afzali Goroooh, R., & Tarom, M. (2021). Investigating the Jurisprudential Rulings on Virtual Currency: A Case Study of Bitcoin. *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*, 3(4), 101-123.
- Bahrani, H. (1989). *Ayoun al-Haqqaiq al-Nazrah fi Tatamim al-Hadaeq* (Vol. 2). Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society.
- Ben-Shahar, O. (2010). One-Way Contracts: Consumer Protection without Law. *European Review of Contract Law*, 6(3). <https://doi.org/10.1515/ercl.2010.221>
- Bonell, M. J. (2001). Do We Need a Global Commercial Code? *Dickinson Law Review*, 106, 87-94.
- Erlank, W. (2012). *Property in Virtual Worlds* Stellenbosch University]. South Africa.
- Eskini, R., & Mehrabakhsh, M. (2015). Internet Businesses. *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 45(3), 379-384.
- Eyvaz Lou, H., Mousavian, S. A., Rezaei Sadrabadi, M., & Nouri, J. (2019). Jurisprudential-Economic Analysis of Virtual Currency Extraction in the Islamic Economic System. *Ma'rifat-e Eghtesad-e Islami*, 11(1).
- Eyvaz Lou, H., Rezaei Sadrabadi, M., & Nouri, J. (2019). Jurisprudential-Legal Analysis of Exchange of Extractable Currencies in Islamic Economics. *Quarterly Journal of Islamic Economics*, 20(77), 183-217.
- Faraji, Y. (2010). *Money, Currency, and Banking*. Publishing Company of Commerce.
- Fayz Kashani. (1990). *Al-Wafi*. Amir al-Mu'minin Library Publications.
- Ghanad, F. (2010). Protection of Intellectual Property in the Context of Electronic Transactions. *Quarterly Journal of Islamic Law*, 1(1), 170-200.
- Helli, M. H. (1967). *Izah al-Fawad in the description of the problems of rules* (Vol. 4). Ismailian Institute.
- Katouzian, N. (2000). *Introductory Course in Civil Law; Legal Acts, Contracts, and Unilateral Acts*. Sahami Publications.
- Katouzian, N. (2022). *Civil rights; General rules of contracts (concept, conclusion and validity of the contract)* (Vol. 1). Ganj Danesh.
- McFarlan, B. (2008). *The Structure of Property Law*. Hart Publishing.
- Naeini, M. H. (1987). *Muniyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib*. Maktab al-Muhammadiyah Publications.
- Najafi, M. H. (1981). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam* (Vol. 40). Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- Panahi, M., Almasi, N. A., Shams, A., & Mohammad Taheri, M. R. (2020). Components and Legal Principles Governing Ownership in Cyberspace. *Quarterly Journal of Free Legal Research*, 13(48), 23-38.

- Sabett, R. v. (1996). International Harmonization in Electronic Commerce and Electronic Data Interchange: A Proposed First Step Toward Signing on the Digital Dotted Line. *American University Law Review*, 46, 511-513.
- Shahidi, M. (2004). *The works of contracts and obligations*. Majd Publications.
- Taheri Daghiyan, A., Qasemi Motlagh, M., & Mehdian, H. (2019). The effectiveness of dialectical behavior therapy on anxiety and rumination in depressed patients. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 62(December), 264-274. <https://doi.org/10.22038/mjms.2019.14535>
- Yazdi, S. M. K. (1988). *Al-Urwah al-Wuthqa fi ma Ta'mum bih al-Balwa*. Scientific Publications Institute.
- Yousefi, A. A., Navabpour, A., & Talebi, M. (2018). Jurisprudential Analysis of the Functions of Cryptocurrencies (Case Study of Bitcoin). *Quarterly Journal of Islamic Economics*, 18(72).